

داد و ستد تجاری فارس در دوره افشاریه: تداوم و افول کارکرد تاریخی

احمد بازماندگان خمیری*

دانش آموخته دکتری تاریخ ایران اسلامی از دانشگاه تهران

چکیده:

فارس در طول تاریخ خود به عنوان حلقه اتصال خلیج فارس با مناطق داخلی ایران در داد و ستدهای تجاری ایفای نقش کرده است. این نقش در دوره افشاریه به دلیل افول اقتصاد و تجارت در ایران و تغییرات بنیادی در مناسبات تجارت جهانی از اهمیت دو چندانی برخوردار می‌گردد. مسئله اصلی این مقاله چرایی و چگونگی تجارت فارس با نقاط برون مرزی و مناطق پیرامونی‌اش و جایگاه و اهمیت فارس در این چارچوب جدید است. روش تحقیق این مقاله توصیفی-تحلیلی براساس منابع کتابخانه‌یی و اسناد به اسناد و داده‌های تجاری موجود می‌باشد. این پژوهش نشان می‌دهد که گرچه فارس در این دوره کارکرد تاریخی‌اش را تداوم می‌بخشد، اما نشانه‌های آشکاری را از تغییر جهت تجاری صادرات-واردات به وجه غالب واردات می‌توان دید.

پیش درآمد

تجارت با مقوله‌ی صادرات و واردات ارتباط تنگاتنگ و نزدیکی دارد و با آن معنا و مفهوم می‌یابد. تجارت ایران در این دوره ادامه همان روند پیشین بود. از منظر جغرافیای اقتصادی، فارس و خلیج فارس جزئی از مناطق نیمه پیرامونی حوزه اقتصادی اقیانوس هند محسوب

می‌شدند. بیشترین صادرات همچون گذشته مواد خام بود. حضور کشورهای اروپایی نیز تغییر چندانی در این روند ایجاد ننمود. آنها اغلب نقش واسطه‌هایی را ایفا می‌کردند که وظیفه‌ی انتقال کالا از سرزمینی به سرزمین دیگر را انجام می‌دادند. هرچند در خصوص انگلیسی‌ها شاهد افزایش ورود کالاهای ساخت آن کشور به ایران هستیم که بیشترین‌های آنها را پارچه تشکیل می‌دادند. بجای آن صدور مواد خام افزایش و ساخته‌های صنعتی کاهش می‌یابد.

عوامل متعددی را می‌توان برای کاهش برشمرد. بی‌تردید مهم‌ترین آنها حملات افغان‌ها و جنگ‌ها و شورش‌های دوران نادر است که موجب گردید بخش بزرگی از نیروی کار را از فعالیت در این زمینه باز دارد. سپاهیان نادر از افراد عادی ایالات مختلف تشکیل می‌شد. ورود آنها به جرگه‌ی نظامی خواه ناخواه موجب کمبود نیروی کار مورد نیاز در ایالات می‌گردید که مهم‌ترین نیروهای مولد کشور بودند (Hambly, 1964:72). همچنین وسعت زیاد ایران مانع از آن می‌گردید که تولیدهای داخلی تکافوی نیازمندی‌های داخل کشور باشد. وسعت زیاد ایران یکی از عوامل مهم و تأثیرگذار در ضعف بازرگانی خارجی بود. بیشتر محصولات تولید صنعتی به مصرف داخلی می‌رسید. از این رو صادرات، بیشتر شامل کالاهایی می‌گردید که کمتر در داخل مصرف می‌شدند. هرگاه مصرف یک کالا به هر دلیل در داخل افزایش می‌یافت در صادرات آن نتیجه‌ی معکوس برجای می‌نهاد. این ضعف عمده مانع از آن گردید تا ایران بتواند در تجارت جهانی نقش عمده‌یی را بر عهده بگیرد. پیامد دوم آن بود که ایران در تجارت خارجی خود دچار کسری تراز بازرگانی گردید. این مسئله به ویژه در دوره‌هایی که مواد خام برای صدور کاهش یافت و ورود کالاهای خارجی رشد پیدا کرد تأثیر سوئی بر اقتصاد ایران بر جای نهاد. در کنار آنها دوری مراکز تولید صنعتی از فارس و خرابی و ناامنی راه‌ها مزید بر علت بود.

در این دوره شیراز مهم‌ترین مرکز تجارت بین‌المللی بود. گوین در تقسیم بندی که در خصوص اهمیت شهرهای ایران در این دوره انجام داده است شیراز را هم طراز اصفهان، یزد، کاشان، رشت و همدان قرار می‌دهد و دلیل اهمیت آن را وجود کارگاه در این شهرها می‌داند

که بار تولیدهای داخلی را بر دوش می کشیدند. او در ادامه دو کارکرد دیگر نیز برای شیراز بر می شمرد، پایتخت منطقه‌ی سنتی و انبار کاروان‌ها (ibid). در خصوص تجارت و داد و ستد فارس در ایران دوره بطور مستقل کار چندانی صورت نگرفته است. هر آنچه موجود است بیشتر در تحت لوای کلی تجارت ایران در دوره افشاریه بررسی شده است که می توان به اثر ارزشمند فلور و نیز بررسی‌های پیگولوسکایا و لاکهارت اشاره کرد. از این رو کمبود یک اثر مستقل در این زمینه کاملاً احساس می شود. امید است که این مقاله آغازی باشد برای پژوهش‌های بهتر و بیشتر در آینده.

پول و ارزش آن در دوره افشاریه

پیش از ورود به بحث اصلی لازم است اندکی در خصوص پول در این دوره گفتگو شود. در مورد پول و سکه و ارزش آنها در این دوره با اطلاعات بسیار ناقصی روبرو هستیم. دلیل آن نیز عدم توجه مورخان داخلی به این موضوع است. این اطلاعات ناقص باعث گردید تا برخی گمان ببرند که «مسکوکات رایج در دوره نادر همان مسکوکات عصر صفوی بود.» (جمال‌زاده، ۱۳۶۲: ۱۷۴) اگر چه بسیاری از سکه‌های دوره‌ی صفوی در این زمان نیز به کار می رفت و مورد استفاده قرار می گرفت. با این حال هم نادر و هم بعد از مرگ او برخی از خوانین فارس سکه‌های جدید ضرب کردند. از جمله می توان به «نادری» اشاره کرد که در اسناد این دوره از آن یاد شده است (نصیری، ۱۳۶۴: ۱۶۳). به نظر می رسد که هر تومان برابر با ۲۰ نادری بود (نصیری، ۱۳۶۴: ۱۷۴ - کریمیان، ۱۳۷۶: ۱۴). علاوه بر این نادر سکه‌های صاحبقرانی، گیتی ستانی و اشرفی نادری نیز ضرب کرد. سکه‌های صاحبقرانی نادر را «قران‌های نادر» نیز می گفتند (وثیق، ۱۳۸۷: ۱۶۰).

بیشتر سکه‌هایی که در این دوره ضرب می شدند از جنس نقره بود و در معاملات تجاری از آنها استفاده می شد. سکه‌های طلا در موارد خاص و به مناسبت‌های ویژه ضرب می کردند. واحدهای عمده پول به ترتیب تومان، دینار و شاهی بود. اگر چه واحدهای دیگر نیز به کار می رفت؛ اما این سه واحد مهم ترین و پرکاربردترین آنها بودند. برابری نرخ ارزش نقره بدین ترتیب بود:

یک تومان، ده هزار دینار

پانصد دینار، یک نادری

سفید دینار یا ده شاهی، سیصد دینار

عباسی، دوپست دینار

شاهی، پنجاه دینار

بیستی، بیست دینار

کاظم بیگی، یک دینار (شعبانی، ۱۳۷۳/ج ۱: ۳۴۴- وثیق، ۱۳۸۷: ۱۶۰)

ارزش پول ایران در برابر پول کشورهای دیگر در این دوره دچار نوسان بود. در دوره صفویه هر تومان برابر با ۳۰ روپیه بود (باستانی پاریزی، ۱۳۴۸: ۱۷۵). در سال ۱۱۶۴هـ/ ۱۷۵۱م ارزش روپیه در برابر تومان به شدت کاهش یافت و هر تومان مساوی با ۱۰۰ روپیه شد (Saldanha, 1986/v1:72). در سال ۱۱۷۰هـ/ ۱۷۵۷م روپیه بار دیگر افزایش یافت و هر تومان برابر با ۲۰ روپیه بود (Ricks, 1974:287). به نظر می‌رسد که نرخ معمول و رایج تومان بین ۲۰ تا ۴۰ روپیه در نوسان بوده است و ۱۰۰ روپیه سال ۱۱۶۴هـ یک استثنا به شمار می‌رود. متأسفانه از نرخ تومان در برابر دیگر پول‌های خارجی اطلاعاتی در دست نیست؛ اما می‌توان به طور کلی حدس زد که در این دوره تومان شاهد کاهش ارزش خود بوده است. با این پیش زمینه در این جا صادرات و واردات فارس در این دوره مورد بررسی قرار می‌گیرد.

صادرات

صادرات به مناطق دور دست

در طی قرن ۱۸ و ۱۹م/ ۱۱ و ۱۲هـ جنوب ایران دارای دو نوع نظام اقتصادی بود. الف) نظام اقتصادی ناحیه‌یی وابسته به آبراه خلیج فارس که فعالیت‌های دریایی-کشتی‌رانی، ماهیگیری و صید مروارید در آن متمرکز بود. ب) نظام اقتصادی وابسته به مبادلات کشاورزی (گرومون، ۱۳۷۸: ۱۹). تجارت فارس در این دو نوع نظام اقتصادی در جریان و سیلان بود. دستیابی به نتایج درباره حجم تجارت ایران در سده‌های دهم تا دوازدهم هجری تقریباً غیر ممکن است و اطلاعات ما در مورد موازنه‌ی تجاری حتی از این هم کمتر است. این دادها

بیشتر در بایگانی‌های شرکت‌هایی هند شرقی بریتانیا و هلند نگهداری می‌شوند. اما مشخص نیست که این شرکت‌ها چه سهمی از کل تجارت را بر عهده داشتند (میرجلیلی، ۱۳۸۹: ۷۱). در خصوص واردات و صادرات فارس باید به این نکته‌ی مهم توجه داشت که تمام کالاهایی که وارد یا صادر می‌شد متعلق به خود فارس نبود. از آن جایی که فارس همیشه همچون یک گذرگاه تجاری عمل می‌کرد، در این دوره نیز این نقش را بر عهده داشت. بسیاری از کالاهایی که وارد می‌شد به سمت شمال و شمال شرقی و به ویژه مشهد و آسیای میانه فرستاده می‌شد. از این رو میزان ورود و خروج کالاها به وقایع و حوادث مناطق شمالی نیز بستگی داشت (Levi, 1999A: 483).

در سده‌های ۱۷ و اوایل ۱۸م/۱۱ و ۱۲هـ مهم‌ترین کالاهایی که از فارس صادر می‌شدند عبارت بودند از، ابریشم، کرک (موی بز) قرمز و سفید از کرمان، فرش، روناس، میوه‌های خشک، گلاب و شراب شیراز، چینی آلات، اسب و مصنوعات چرمی (فلور، ۱۳۷۱: ۲۴- پیگولوسکایا، ۱۳۵۳: ۵۷۵-فوران، ۱۳۷۷: ۷۰-لاکهارت، ۱۳۸۳: ۳۳۷).

در دوره‌ی صفویه مهم‌ترین کالایی که از فارس صادر می‌شد ابریشم بود که در ایالات شمالی ایران به تولید می‌شد (ثواقب، ۱۳۸۱: ۱۵۹). پس از سقوط صفویان تغییراتی در نوع و میزان کالاهای صادراتی در فارس روی داد. با تصرف اصفهان توسط افغان‌ها، کشور چند پاره گشت و بر هر پاره‌یی از آن مدعیان داخلی و خارجی تسلط یافتند و انتقال کالا بین آنها به سختی صورت گرفت. ضمن آن که این حملات و درگیری‌ها باعث کاهش شدید میزان تولید گشت. پس از یکپارچه شدن ایران به وسیله‌ی نادر تغییر چندانی در تولید و صدور ابریشم از طریق فارس و بنادر آن روی نداد. با این حال به نظر می‌رسد که در این دوره تولید ابریشم افزایش یافته بود. برای این مسئله می‌توان دلایل متعددی را بر شمرد. تصرف گیلان و مازندران - مهم‌ترین مراکز تولید ابریشم - توسط روس‌ها در دوره‌ی افغانه باعث شد تا تجار روس به طور انحصاری خرید و فروش ابریشم و صدور آن را بدست آورند. در دوره‌ی نادر این تسلط همچنان ادامه یافت. به ویژه پس از آن که رضاقلی میرزا خرید و فروش این محصول را به انحصار خود در آورد (شعبانی، ۱۳۷۳/ج ۲: ۴۵۱). مسئله‌ی دیگری که در این دوره روی داد و بر صدور آن به فارس تأثیر مستقیم بر جای نهاد اختلاف بین دو فرد پرنفوذ و قدرتمند در

دولت نادر، رضاقلی میرزای ولی عهد و محمدتقی خان، حاکم قدرتمند فارس و کرمان بود. این اختلافات به بروز رقابت سختی بین دو طرف انجامید. رضاقلی میرزا به طرق گوناگون در تلاش بود تا زمینه‌های تضعیف رقیب خود را فراهم سازد (همان/ج ۲: ۹۴). عامل سوم عدم تمایل شرکت‌هایی هند شرقی به خرید ابریشم ایران بود. کیفیت پایین ابریشم، قیمت بالا و همچنین تولید آن در مناطق دیگر که با قیمت کمتر در اختیار آنها قرار می‌گرفت عوامل اصلی این عدم تمایل بودند. در دوره‌ی افشار بیشتر ابریشم‌های ایران به روسیه و عثمانی صادر می‌شد. در این دوره بهترین نوع آن به ترتیب شامل ابریشم گیلان، شیروان، مازندران و استرآباد بودند (شعبانی، ۱۳۷۳/ج ۱: ۲۳۲- ثواقب، ۱۳۸۱: ۱۵۹). با این حال در دوره‌ی زندیه صدور ابریشم از طریق بوشهر بار دیگر دایر گردید (نیبور، ۱۳۵۴: ۳۹).

بجای ابریشم، کرک-موی بز-که در کرمان تولید می‌شد عنوان مهم‌ترین و نخستین کالای صادراتی را از فارس بدست آورد (لاکهارت، ۱۳۸۳: ۳۲۶-فلور، ۱۳۷۱: ۲۰۹). این کرک‌ها دارای رنگ‌های متفاوت قرمز، سفید و قهوه‌یی بود که بهترین و پرفرودارترین نوع آن کرک‌های قرمز بود (Saldanha, 1986/v1:139). شرکت‌هایی بریتانیایی و هلندی برای گردآوری و خرید این کرک‌ها نمایندگی‌های جداگانه‌یی در کرمان دایر کرده بودند. اما به دست آوردن آنها به دلیل ناامنی کرمان و نیز خریداران شاه همیشه آسان نبود (فلور، ۱۳۷۱: ۲۰۹-۲۰۹ Saldanha, 1986/v1:89). با این حال میزان صدور آنها زیاد بود و برای شرکت‌هایی اروپایی سودآور. ایوز که در سال ۱۱۷۱هـ/۱۷۵۸م از بندر عباس دیدن کرده است می‌نویسد که علی‌رغم وجود اقلام صادراتی گوناگون در بندر عباس، شرکت هند شرقی انگلیس به آنها توجه چندانی ندارد و تنها صادرات پر سود آنها کرک کرمان می‌باشد (Ives:199). کشتی ملکه کارولین در سال ۱۱۴۹هـ/۱۷۳۶م بیش از ۱۱۸ عدل از این کرک‌ها را از بندرعباس به هند برد (Saldanha, 1986/v1:46). در سال بعد تنها در یک مورد انگلیسی‌ها به وسیله کشتی ویندهام بیش از ۳۹۲ عدل از آنها را به بمبئی فرستادند (ibid:49). در سال ۱۱۵۷هـ/۱۷۴۴م دو محموله، اولی به ارزش ۱۴۸۰۰ روپیه و دیگری ۶۰۰۰ روپیه از بندرعباس به مدرس صادر شد. نماینده انگلیس در آن شهر بر عهده فردی بنام سلطان داود بود که از نام چنین برمی‌آید یک ارمنی باشد (ibid:59). این درحالی است که انگلیسی‌ها از آن سال چندان راضی نبودند و

احتمال می‌دادند که نتوانند به مقدار لازم کرک تهیه کنند. دلیل آن، اقدامات نادر در اخذ مالیات‌های سنگین بود که باعث گردید افراد زیادی بزهای‌شان را برای فرار از مالیات بفروشند (Lorimer, 1915/v1:131). جنگ‌های داخلی و نبود امنیت موجب افزایش قیمت‌ها در سال ۱۱۶۱هـ/ ۱۷۵۱م گردید. در این سال هر پوند^۱ کرک به قیمت ۱۱۰ شاهی به فروش می‌رسید. در حالی که در سال ۱۱۴۹هـ/ ۱۷۳۶م همین مقدار در بندر عباس ۳۵ شاهی خریداری می‌شد (ibid:133). این وضعیت چندان طول نکشید. در سال بعد محموله‌یی به ارزش ۴۰۶۸ تومان از بندرعباس صادر شد (Saldanha, 1986/v1:77). در سال ۱۱۶۸هـ/ ۱۷۵۵م محموله‌یی به میزان ۱۲۰۰۰۰ پوند به بمبئی ارسال گردید، ۳۲۴۰۰۰ پوند در انتظار بارگیری بود و ۷۵۰۰۰ پوند دیگر نیز قرار بود از کرمان برسد. ارزش آنها در مجموع ۷۴۰۰۰ روپیه برآورد می‌شد (Lorimer, 1915/v1:136). در سال بعد ارزش کرک‌های صادراتی به بیش از ۸۱۰۴ تومان بالغ گردید. در گزارش دیگری چنین آمده است که بین ۲۹ سپتامبر تا ۷ دسامبر ۱۰۰۰۰ روپیه برای خرید کرک به کرمان فرستاده شد و ۲۲۰۰۰ روپیه برای خرید سال بعد سرمایه گذاری گردید. در همین دوره ۲۵۸۰۰ پوند کرک خریداری شد و امیدوار بودند که تا پیش از پایان سال این مقدار به ۱۰۰۰۰۰ پوند برسد (ibid).

بررسی جدول زیر نشان می‌دهد که در دهه‌ی ۲۰ قرن هجدهم م هلندیان علی‌رغم ناامنی‌ها و سقوط اصفهان همچنان به صادرات کرک ادامه دادند. از صادرات انگلیسی‌ها اطلاعی نداریم. در دهه‌ی ۳۰ که ایران از ثبات و امنیت برخوردار شد میزان صادرات آنها به بیش از دو برابر افزایش یافت. اما میزان صادرات انگلیسی‌ها بسیار بیشتر بود و اختلاف بین آنها به بیش از ۱۰۰۰۰۰ پوند می‌رسید. دهه‌ی ۴۰ شاهد افت چشمگیر صادرات کرک هستیم. اگر چه میزان صادرات انگلیسی‌ها بیش از دو سوم کاهش نشان می‌دهد اما صادرات هلندیان به کمتر از ۱٪ نسبت به دهه پیش کاسته شد. عوامل مختلفی در این افت نقش داشتند که شورش‌های پیاپی، سیاست‌های سخت‌گیرانه‌ی نادر، قتل نادر و بحران سیاسی در ایران از مهم‌ترین آنها بودند. در مورد هلندیان به نظر می‌رسد که عامل دیگری نیز نقش داشت و آن تردید روسای شرکت هند

^۱ - هر پوند برابر با ۴۵۳/۵۹ گرم بود. (دیانت، ۱۳۶۷: ۹۶)

شرقی هلند در باتاویا برای چگونگی ادامه تجارت در ایران و به ویژه بندرعباس بود. از سوی دیگر سیاست هلندیان در تجارت آن بود که کالاهایی به ایران وارد کنند و سود بدست آمده از فروش آنها را صرف خرید کالاهای ایرانی نمایند. در این دهه میزان فروش هلندیان به شدت کاهش یافت و دلیل آن نبود پول کافی در دست مردم بود. از این رو آنها نتوانستند پول کافی برای خرید کرک تهیه کنند (فلور، ۱۳۷۱: ۱۸۷). دهه ۵۰م قرن ۱۸م شاهد رونق دوباره‌ی صادرات کرک هستیم. این رونق علی‌رغم جنگ‌های منطقه‌ی و درگیری بین خوانین بود. علت این رونق نسبی را باید در باز شدن راه تجاری کرمان و افزایش نقدینگی در دست مردم جستجو نمود. از سوی دیگر عبور کاروان‌های تجاری از قلمرو خوانین سودهایی را برای آنها در پی داشت. علاوه بر این هلندیان برای کاهش هزینه‌ها از تعداد کارمندان خود در بندرعباس کاستند (همان: ۱۸۸).

جدول: میزان صادرات کرک ۱۱۷۷-۱۱۳۳هـ/۱۷۶۳-۱۷۲۱ م (به پوند)

دهه	شرکت هند شرقی هلند	شرکت هند شرقی انگلیس
۱۷۲۱-۱۷۳۰	۱۰۴۸۷۰	-----
۱۷۳۱-۱۷۴۰	۲۵۹۶۶۰	۳۷۹۰۰۹
۱۷۴۱-۱۷۵۰	۱۰۹۸	۱۱۱۶۹۹
۱۷۵۱-۱۷۶۰	۶۹۶۷۵	۲۹۷۲۴۳
۱۷۶۰-۱۷۶۳	۴۳۰۰	۴۰۶۲۵

(Floor, 2009: 235)

گزاره نخواهد بود اگر گفته شود که تجارت بندرعباس در این دوره به این کالای مهم و استراتژیک وابسته بود. همان‌گونه که اشاره شد این تنها کالای پرسودی بود که اروپاییان از ایران صادر می‌کردند و هر نوع نقصانی در تولید آن تأثیر مستقیمی بر وضعیت تجارت بندرعباس بر جای می‌نهاد. عوامل متعددی در کاهش تولید و عرضه این کالا دخیل بودند. از عوامل بیرونی می‌توان به ناامنی جاده‌ها و گرانی هزینه‌ی حمل و نقل و آزمندی حکام بندرعباس و مسیر تجاری آن اشاره نمود. همچنین افزایش تقاضای داخلی نقش مهمی در کاهش عرضه آن داشت (فلور، ۱۳۷۱: ۱۸۸).

اسب از دیگر اقلام صادراتی بود که مشتریان زیادی داشت. بی تردید این باور گرومون که می‌نویسد «ظاهراً تا پیش از آغاز قرن ۱۳/م ۱۹هـ بازار صادراتی پایداری برای اسب وجود نداشته است» نادرست است (گرومون، ۱۳۷۸: ۱۴۵). منابع تاریخی نشان می‌دهند که پیشینه‌ی صدور آن به دوران قبل از صفویه می‌رسد (لاری شیرازی، ۱۳۸۹: ۱۹۷). هند به دلیل آب و هوای مرطوب و باران‌زایش محل چندان مناسبی برای پرورش اسب نبود. از این رو سواره نظام آن ناگزیر بود که نیازمندی‌هایش را از ایران، عربستان و دشت‌های شمال خراسان تأمین کند (Levi, 1999B: 526). اسب‌هایی که از ایران صادر می‌شدند به اسب‌های بحری معروف بودند (ibid: 527). این اسب‌ها به وسیله کشتی به بنادر مختلف هند فرستاده می‌شدند (Waring, 1807: 77). دشت کازرون یکی از مهم‌ترین جاهایی بود که در آن اسب پرورش داده می‌شد و معمولاً به قیمت‌های گزاف به فروش می‌رفت (گرومون، ۱۳۷۸: ۱۴۵). تجارت اسب تا اوایل سده یازدهم هجری در دست پرتغالیان بود. پس از خروج آنها، هلندیان و انگلیسی‌ها کوشیدند تا تجارت آن را در دست بگیرند. اما نتوانستند جواز صدور بیش از دوازده رأس اسب در سال را بدست آورند (میرجلیلی، ۱۳۸۹: ۷۵). با این حال به نظر می‌رسد که در این مورد چندان سخت‌گیری به عمل نمی‌آمد. همین روند در دوره افشاریه نیز ادامه یافت و صدور اسب به عنوان یکی از مهم‌ترین کالاهای صادراتی پر سود مد نظر بود (شعبانی، ۱۳۷۳/ج ۱: ۳۳۱- ۲۰۹: Alam, 1986). گاهی اسب‌های فارس را به عنوان هدیه به بزرگان کشورهای دیگر نیز اهدا می‌کردند (لاری شیرازی، ۱۳۸۹: ۱۹۷). خرید و فروش اسب در فارس در دست عده‌ی خاص بود. در فارس افراد ایل بیات این کار را انجام می‌دادند. آنها از فارس اسب می‌خریدند و در هندوستان می‌فروختند (فسایی، ۱۳۸۲/ج ۲: ۹۱۹). در کنار آنها تجار کازرون نیز در این تجارت دست داشتند (افضل الملک، ۱۳۶۱: ۳۴۹).

از دیگر کالاهای صادراتی گلاب و شراب شیراز بود که مشتریان زیادی داشت. هلندیان و انگلیسی‌ها آنها را برای مصرف خود به کشورهای دیگر می‌بردند (میرجلیلی، ۱۳۸۹: ۷۶- نیبور، ۱۳۵۴: ۳۹). شراب خلار بسیار معروف بود و در داخل ایران نیز مصرف می‌شد (وزیری، ۱۳۶۴: ۵۰۴). خلار در شمال غرب شیراز قرار داشت که در آن انگور دیمی کشت می‌گردید. انگورهای آن برای ساخت شراب بسیار مناسب بود. به گونه‌ی که آنها را

چهار برابر قیمت انگورهای شیراز می خریدند. در دوره ی قاجار شراب های خلار تنها به اروپا صادر می شد و به قیمت گزاف می فروختند (فسایی، ۱۳۸۲/ج ۲: ۱۲۹۲). یک نوع دیگر معروف به شراب فارسی بود که مشتریان خاص خود را داشت و گاهی هر بطری آن به قیمت ۲۰ پنس به فروش می رفت (Ives:198). شراب شیراز مورد توجه دربار نیز بود. محمد تقی خان در هنگام حضور در شورای دشت مغان بیش از دویست شتر شراب شیراز به عنوان تحفه به دربار نادر برد (شعبانی، ۱۳۷۳/ج ۱: ۳۳۹). شراب را در خمره می ریختند و برای آن که از جداره ی آن به بیرون نترود دیواره خمره را از داخل با روغن دنبه چرب می کردند و بر روی آن سرپوش چوبین قرار می دادند. شراب شیراز بیشتر برای صادرات خارج از کشور و مصرف شاهان و بزرگان تولید می گردید. مردم طبقه متوسط برای مصرف خود از شراب یزد استفاده می کردند (شاردن، ۱۳۷۲/ج ۵: ۱۹۳۳). بعدها که بوشهر جایگزین بندرعباس شد شراب شیراز را به آن بندر می بردند و از آنجا به هند و بصره می فرستادند (نیور، ۱۳۵۴: ۱۵۶- فرانکلین، ۱۳۵۸: ۴۴). انگورهای شیراز به شیرینی شهره بودند که معروف ترین آنها عبارت بودند از ریش بابا و عسکری. شراب های شیراز از انگورهای سیاه رنگی تهیه می شد و بیشتر به وسیله ی ارامنه و یهودیان ساکن آن شهر این کار صورت می گرفت (نیور، ۱۳۵۴: ۱۵۶).

گلاب فارس نیز مشتریان بسیاری داشت و به گفته اولیویه «هیچ عطری و هیچ بوی خوشی را با این جوهر نفیس، انبازی و برابری نیست.» همان می نویسد که قیمت گلاب در اصفهان از استانبول و فرنگستان بیشتر است و نتیجه می گیرد که هیچ وقت گلاب خاص به فرنگستان نمی رسد (اولیویه، ۱۳۷۱: ۱۸۸).

جدول: صادرات گلاب، (بر حسب جعبه)

سال	۱۷۳۲	۱۷۳۵	۱۷۳۹	۱۷۴۰
مقدار	۵۰	۱۰۰	۸۴	۸۴

(Floor2009:237)

از دیگر اقلام صادراتی قابل توجه بادام تلخ بود. از این محصول در هند به عنوان سکه و پول استفاده می کردند (میرجلیلی، ۱۳۸۹: ۷۶-۹۹ Ives). این نوع بادام بیشتر در منطقه کوه گیلویه به عمل می آمد (دومورینی، ۱۳۷۵: ۳۹). در دشت تادون نیز درخت های بادام تلخ

می‌کاشتند (تاورنیه، بی تا: ۹۸۱). صادرات آن حتی تا دوره‌ی قاجار نیز ادامه داشت. مروارید هم از صادرات مهم محسوب می‌شد که منبع درآمد مهمی برای شاه محسوب می‌شد و پس از پایان فصل صید ۳۰٪ آنها به شاه می‌رسید (میرجلیلی، ۱۳۸۹: ۷۶). مهم‌ترین مراکز صید مروارید به ترتیب نفاست عبارت بودند از عمان، بحرین، بنادر و جزایر فارس، قطر، کویت و قطیف (سدیدالسلطنه، ۱۳۰۸: ۹- کارری، ۱۳۴۸: ۱۹۵). بدین ترتیب بهترین مرواریدها در قلمرو حکومتی ایران صید می‌شد (محمد میرک، ۱۳۸۵: ۵۱).

در همین دوره، با کاهش تولیدات داخلی، انواع سکه‌ها-طلا، نقره و مسی، به یکی از مهم‌ترین اقلام صادراتی تبدیل گردید (گرومون، ۱۳۷۸: ۱۴۱). هرچند دولت صفویه تلاش می‌نمود از آن جلوگیری به عمل آورد و در همین زمینه اختلافاتی با کشورهای اروپایی بروز کرد. اما نتوانست این روند را متوقف سازد (فلور، ۱۳۷۱: ۳۴). در دوره‌ی افشار این روند چنان گسترش یافت که موجب کمبود شدید پول نقد در کشور گردید و بسیاری از تجار و واسطه‌های محلی تنها با پول نقد معامله می‌کردند (sladanha, 1986/v1:97). تاجر کرمان تنها حاضر بودند در ازای پول نقره کرک‌ها را بفروشند. از این رو در سال ۱۱۵۰هـ/ ۱۷۳۷م محمد تقی خان، بیگلربیگی فارس، به شرکت‌های هند شرقی در بندرعباس اطلاع داد که حق صدور سکه‌های مسی و پول سیاه را ندارند و در این مورد دستورهای اکیدی برای شاه بندر صادر نمود. انگلیسی‌ها برای لغو این دستور تلاش بسیار نمودند و حتی حاضر شدند ۲۰۰ تومان از طریق رئیس بانیان به محمد تقی خان رشوه پردازند. دلیل صادرات این سکه‌ها را باید در عدم تعادل صادرات و واردات ایران دانست که کالاهای مناسب با آن چه وارد می‌شد برای صادرات وجود نداشت (ibid:54). در این خصوص متأسفانه آمار و ارقامی زیادی در دست نداریم و داده‌های ما تنها به برخی از گزارش‌های انگلیسان و هلندیان محدود می‌شود. می‌دانیم که در سال ۱۱۴۸هـ/ ۱۷۳۵م در یک مورد انگلیسی‌ها ۲۰۰ جعبه سکه غاز و ۴۰ جعبه سکه‌های مسین از بندر عباس صادر کردند (ibid:46). بین تولید و صادرات کالا و میزان صدور مسکوک رابطه مستقیمی وجود داشت. گرومون نشان داده است زمانی که کشت تریاک در ایران رواج یافت و به یکی از مهم‌ترین اقلام صادراتی تبدیل گشت، شاهد کاهش معناداری در صادرات مسکوکات هستیم (گرومون، ۱۳۷۸: ۱۴۳). بدین ترتیب می‌توان گفت مسکوکات خود یک

کالای صادراتی محسوب نمی‌شود بلکه عامل اصلی آن عدم توازن در صادرات و واردات کشور بود. بدین ترتیب که هرگاه کالای کافی برای صادرات وجود نداشت، شرکت‌های اروپایی سودهای حاصله از فروش کالا را که به صورت پول نقد بود از ایران خارج می‌کردند. البته باید توجه داشت که از نظر دولت ایران این، یک کار غیر قانونی بود و بارها در این مورد با شرکت‌های اروپایی دچار مشکل شد.

این مسکوکات چگونه بدست می‌آمد؟ به اعتقاد گرومون بخشی از پاسخ به این سؤال را باید در این واقعیت جست که در قرن ۱۸ و ۱۹م/۱۲ و ۱۳هـ ایران به دو ناحیه تجارتي شمالي و جنوبي تبدیل شده بود. ناحیه شمالي پیوسته پول مسکوک را از روسیه وارد می‌کرد، در حالی که ناحیه جنوبي همواره آن را به هند صادر می‌نمود(همانجا). این موضوع مستلزم وجود یک رابطه تجاری مداوم و مستقیم بین جنوب و شمال ایران بود. هرگاه این رابطه دچار اختلال می‌شود بحران کمبود پول نقد در جنوب رخ می‌داد. این تنها بخشی از مسکوکاتی بود که در ایران رد و بدل می‌شد و بعد صادر می‌گردید. در دوره‌ی افشار بیشترین سکه‌هایی که صادر می‌شد مسکوکات داخلی بود و بخشی نیز سکه‌هایی بود که از دوره صفویه هنوز در دست مردم باقی مانده بود. مقداری از این سکه‌ها، مربوط به زمان حضور پرتغالی‌ها و اسپانیایی‌ها در ایران بود. تعدادی از آنها نیز از طریق معاملات تجاری با عثمانی وارد ایران می‌شد.

در این دوره از تولید صنعتی چندان خبری نیست. آنچه که تولید می‌شد بیشتر به مصرف داخلی می‌رسید. از این رو تنها به صدور مواد اکتفا می‌شد(Waring,1807:76). این مواد شامل انواع صمغ‌های دارویی، انگوزه خام و به عمل آمده، روناس، کشمش، پسته، آلو سیاه، انبه، تنباکو، خرما، جو، گندم و برنج بود(ibid). مهم‌ترین مناطق کشت انگوزه عبارت بودند از لار، هرات، دژگان، حاشیه رود کر و بناویه(کاری،۱۳۴۸:۱۹۲). صمغ گیاهان و به ویژه انگوزه در هند طرفداران بی شماری داشت و از آن به عنوان چاشنی غذا استفاده می‌کردند.

جدول: صادرات انگوزه، (بر حسب پوند)

سال	۱۷۳۷	۱۷۳۹	۱۷۴۰	۱۷۴۵	۱۷۴۶
مقدار	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۵۸	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰

تباکوی فارس نیز شهرت بسزایی داشت. این تباکو نه تنها به هندوستان بلکه به عثمانی نیز صادر می‌شد و در آنجا به قیمت گزافی خرید و فروش می‌شد. مهم‌ترین محل کشت تباکو جلگه‌های کازرون بود (کرزن، ۱۳۸۰/ج ۲: ۲۵۴). علاوه بر این تریاک آن نیز مشهور بود و مشتریان زیادی داشت (شاردن، ۱۳۷۲/۲: ۷۰۶). روناس را بیشتر از شمال ایران، کرمانشاه و همدان به فارس می‌آوردند و از آنجا به هند صادر می‌کردند. کشمش فارس در هند فروش زیادی داشت و در آن جا مردم آن را با نان و غذا می‌خوردند (اولیویه، ۱۳۷۱: ۱۶۵).

جدول: صادرات روناس (بر حسب پوند)

سال	۱۷۳۲	۱۷۳۹	۱۷۴۰	۱۷۴۱	۱۷۴۵	۱۷۴۶
روناس	۳۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۲۲۰۰۰	۵۰۰۰	۱۰۰۰۰

(Floor, 2009: 237)

صادرات به ایالات همجوار

مواردی که تا این جا برشمرده شد ناظر بر تجارت خارجی بود. متأسفانه در خصوص تجارت داخلی ایالت فارس و با ایالات مجاور اطلاعات ما بسیار کمتر می‌باشد. در حالی که داد و ستدهای داخلی بخش عمده‌یی از تجارت فارس را به خود اختصاص می‌داد. در منطقه اوز و لار اسلحه‌سازی رواج داشت. لار در دوره ی نادر از آبادترین شهرهای فارس و مرکز تجارت و صنایع دستی به خصوص در فن لوله سازی تفنگ و تهیه گلوله باروت و آتش فشانی بود (بنی عباسیان، ۱۳۳۹: ۱۲۷). به گفته کرامتی بیش از ۱۶ کارگاه اسلحه‌سازی در اوز فعالیت می‌کردند و به کار ساخت سلاح مشغول بودند. نصیرخان از این سلاح‌ها بر ضد دشمنان خود استفاده می‌کرد و گاهی تعدادی از آنها را به عنوان خراج به کریم خان می‌داد. برد تفنگ‌های فتیله‌یی به بیش از ۷۰۰-۸۰۰ پا می‌رسید (کرامتی، ۱۳۷۰: ۹۴).

«در ایامی که در اوز داد و ستد رواج داشت و خلقی کثیر از هر گروه جمع شده روزانه صدای تفنگ علی‌الاتصال بگوش دور و نزدیک می‌رسید. مثل این که صورت دارالحربی پیدا کرده بود از نیمه شب الی غروب آفتاب صدای چکش و مطرقة در هر کوی و برزن بلند و در مجامع ناس جز مذاکرات تفنگ و توصیف از کار استادان نقلی نبود.» (همانجا)

مشتریان تفنگ از ترک و تاجیک بودند و افرادی زیادی برای خرید آنها به اوز می‌رفتند. آنها معمولاً کالاهایی به اوز می‌بردند و از آنجا سلاح خریداری می‌کردند. جنس این تفنگ‌ها از آهن بود. آنها دارای نام‌های مختلفی بودند مانند سیه تاب، ته نشان، دوکل، شمغال، ساده، نقره کار، پیچ تات، کل و جوهردار. تفنگ‌هایی جوهری اختراع میرحاجی بسیار قشنگ و ممتاز و از ساخت رومی (عثمانی) آن مرغوب‌تر بود و با طوق و بستهای نقره و طلاکوبی مزین می‌کردند و چخماق‌های فرنگی روی آنها قرار می‌دادند. بیشترینه‌ی این تفنگ‌ها در مسقط و بلوچستان و بنادر به فروش می‌رسید (همانجا).

از دیگر کالاهای ساخت فارس که آن نیز کاربرد نظامی داشت شمشیر بود که در شیراز ساخته می‌شد. قیمت این شمشیرها تا ۴۰۰ دینار نیز می‌رسید. فلز این شمشیرها از هند وارد می‌شد. بیشترینه‌ی این کالا به مناطق شمالی ایران صادر می‌گردید (Waring, 1807: 47). آبلیموی شیراز نیز از دیگر کالاهای مهم صادراتی بود و در ایران بسیار طرفدار داشت. این آبلیموها بیشتر در ناحیه صیمکان تولید و عرضه می‌شد (فسایی، ۱۳۸۲/ج ۲: ۱۳۷۴). برنج و خرما جز محصولات کشاورزی بود که تقریباً در فارس زیاد تولید می‌شد. محمد تقی خان به هنگام تاج گذاری نادر در دشت مغان هزار بار برنج و خرما به عنوان هدیه به دربار نادر تقدیم نمود (شعبانی، ۱۳۷۳/ج ۱: ۳۳۹). برنج در اطراف کازرون کشت می‌شد. مهم‌ترین مرکز کشت و تولید خرما جهرم بود و معروف‌ترین نوع آن خرمای شاهانی بود که به خارج از فارس صادر می‌گردید (فسایی، ۱۳۸۲/ج ۲: ۱۲۳۹). احتمالاً کاشت درخت خرما در جهرم پس از سال ۸۰۰ هـ به بعد روی داده است. چرا که تا پیش از این تاریخ هیچ اشاره‌ی به نخلستان‌های جهرم در منابع نمی‌شود.

چوب بقم، زنجبیل خشک، فلفل، دارچین، هل، قهوه جزء کالاهایی بودند که از خارج به فارس می‌آوردند و تجار فارس آنها را به دیگر نقاط ایران می‌فرستادند. از خود فارس و به ویژه شیراز و بوانات شیشه و قلیان و قرابه شیرازی، عرق بهار نارنج، لیمو، رطب، کشمش سبز، مویز سیاه، روغن و دوشاب صادر می‌شد. چرم و پرده‌های نقاشی نیز در فارس تهیه می‌شد (نیبور، ۱۳۵۶: ۷۰- شاردن، ۱۳۷۲/ج ۵: ۱۹۰۳).

فارس تأمین کننده کالا برای بسیاری از شهرهای داخلی ایران بود. هرگونه اختلالی در رابطه‌ی این ایالت با دیگر ایالات و ولایات می‌توانست برای آنها فاجعه بار گردد. زمانی که جعفرخان با والی یزد دچار اختلاف شد از صدور هرگونه کالایی به یزد ممانعت به عمل آورد. به گفته جعفر بن محمد حسین نائینی «لاجرم تسعیر اجناس بالا گرفته قیمت گندم به دو هزار دینار رسیده و جو در هشت عباسی به دست احدی نمی‌آمد و بر این قیاس سایر اجناسی که از آن سمت وارد این ولا می‌شد و کسان را مرایر احتیاج بدانها مستحکم بود هر یک عزیز الوجود و گرانبها گردید.» (نائینی، ۱۳۵۳: ۴۵۴) ظاهراً در فارس گندم به مقدار فراوان تولید می‌شد. هلندیان هم مدتی آن را به جنوب و جنوب شرقی آسیا صادر می‌کردند.

جدول: صادرات گندم (بر حسب پوند)

سال	۱۷۳۶	۱۷۳۹	۱۷۴۱	۱۷۴۲	۱۷۴۶
گندم	۴۳۱۱۵	۸۹۹۶۴	۶۱۸۹۷	۸۰۸۱۹	۳۰۰۰

(Floor, 2009: 237)

واردات

در این دوره واردات کالاها بیشتر به وسیله‌ی کشتی‌های اروپایی صورت می‌گرفت. این کالاها به طور عمده از هند و دیگر بلاد مشرق زمین وارد می‌گردید. حجم کالاهایی که به طور مستقیم از اروپا وارد می‌شد نسبتاً کم بود. در اواخر دوره‌ی صفویه این کالاها بیشتر شامل این موارد بودند فلفل، جوز هندی، میخک، دارچین، بافته‌های پنبه‌ی و ابریشمی، ماهوت، قلع، کافور، مس، شکر، قند، روی، نیل، هل، ریشه‌های چینی، صمغ بلسانی، پارچه، آهن، فولاد، ادویه، مواد رنگی، عطریات، برنج و چوب صندل، سرب، ساعت، فنجان، نعلبکی، ظروف و قرمز دانه (لاکهارت، ۱۳۸۳: ۲۳۷- فلور، ۱۳۷۱: ۲۵). از اروپا و به ویژه انگلستان ماهوت و انواع منسوجات وارد می‌شد. ماهوت انگلیسی که لندره (از کلمه فرانسوی لندره=لندن) نامیده می‌شد مشتری‌های زیادی داشت. عده‌ی از تجار ایرانی نیز در فروش این نوع ماهوت تخصص پیدا کرده بودند و آنها را «لندره فروش» می‌نامیدند (پیگولوسکایا، ۱۳۵۳: ۵۴۴). معضل ورود پارچه‌های ارزان قیمت به ایران که برخی معتقدند باعث تعطیلی کارگاه‌های پارچه‌بافی ایران گردید تنها انگلیسی‌ها نبودند. گزارش‌های موجود نشان می‌دهد که بخشی زیادی از پارچه‌های

ارزان از هند وارد ایران می‌شد که از نظر کیفیت نسبت به پارچه‌هایی که در ایران تولید می‌گردید از مرغوبیت بیشتری برخوردار بود (فلور، ۱۳۷۱ الف: ۸۹). از هند چوب صندل، عاج، روغن نارگیل، شکر، پارچه‌های پنبه‌یی انگلیسی که در آنجا به فروش نمی‌رفت به ایران فرستاده می‌شد (لاکهارت، ۱۳۸۳: ۳۳۷). بعدها انگلیسی‌ها توانستند ورود پارچه‌های پشمی را به انحصار خود در آورند. با این حال در دورانی که منطقه از صلح و آرامش برخوردار بود حمل کالا با کشتی‌های بومی ارزان‌تر و به صرفه‌تر از کشتی‌های انگلیسی بود (گرومون، ۱۳۷۸: ۱۴۹). در این مقطع معاملات پایاپای صورت می‌گرفت چرا که تجار توان پرداخت پول نقد را نداشتند. با این حال، این نوع معاملات دشواری‌های خاص خودش را داشت. زیرا نه تنها کالاهای در خور صدور بسیار کم تولید می‌شد بلکه حتی کالاهای در خور صدور ایران هم به دست آوردنش یا بسیار دشوار بود یا آن کالاها بسیار گران تمام می‌شد (فلور، ۱۳۷۱ ب: ۲۰۹).

علی‌رغم این مشکلات، داد و ستد همچنان در جریان بود. حتی هنگامی که بندر عباس در معرض حملات افغانه قرار داشت. در سال ۱۱۳۸ هـ/ ۱۷۲۶ م در حالی که بندر عباس هر آن انتظار ورود افغان‌ها را می‌کشید و مردم آماده فرار از شهر بودند کشتی انگلیسی فاردینگهام وارد لنگرگاه بندر شد. انگلیسی‌ها با استفاده از محموله‌ی آن به دادوستد شکر، پارچه، روناس، انغوزه و غیره پرداختند (همان: ۱۰۳). در سال‌های بعد به موازات ایجاد امنیت نسبی، میزان ورود کالاهای خارجی نیز افزایش یافت. به گونه‌یی که انگلیسی‌ها برای سهولت تجارت مقدار متناهی از ماهوت‌ها و پارچه‌های خود را در انبارهایی در بندر عباس نگهداری می‌کردند. در این میان کیفیت این پارچه‌ها کم کم پایین آمد تا جایی که مورد اعتراض تجار قرار گرفت. در گزارشی تجار از شرکت هند شرقی انگلیس خواستند تا به آنها اجازه داد شود پیش از خرید پارچه‌ها از انبار شرکت دیدن کنند تا از کیفیت آنها مطمئن گردند. در سال ۱۱۵۱ هـ/ ۱۷۳۸ م ارزش کالاهای موجود در انبار تجارخانه‌ی انگلیس در بندر عباس به بیش از ۲۵۶۶ تومان بالغ می‌گشت (saldanha, 1986/v1:58). در سال ۱۱۵۳ هـ/ ۱۷۴۰ م به دلیل جنگ ایران با دولت عثمانی ورود پارچه‌های ترک به ایران ممنوع گردید. این مسئله زمینه‌ی رشد فروش پارچه‌های انگلیسی در ایران را فراهم ساخت. مهم‌ترین خریدار پارچه دولت بود که معمولاً یکی از تجار نمایندگی آن را بر عهده داشت (Lorimer, 1915/v1:125). از پارچه‌ها مالیات مخصوصی

می گرفتند که اقمشه می نامیدند. به درستی معلوم نیست که آیا این نوع مالیات به صورت جنسی اخذ می شد یا نقدی. برای اولین بار از این اصطلاح در فرمانی به سال ۱۱۵۱هـ/ ۱۷۳۸م یاد شده است (آرونووا/ اشرفیان، ۱۳۵۶: ۹۲-نوایی، ۱۳۶۸: ۴۱۲).

حجم ورود و خروج کالاها ارتباط تنگاتنگی به رابطه‌ی دولت با شرکت‌های اروپایی داشت. در سال ۱۱۴۳هـ/ ۱۷۳۱م بندر عباس مهم ترین مرکز تجاری انگلیسی‌ها در خلیج فارس بود و دیگر شعب-بصره و بوشهر- از آن دستور می گرفتند. در سال ۱۱۴۵هـ/ ۱۷۳۳م نادر قول داد تا تمامی امتیازات انگلیسی‌ها را تجدید نماید. اما پس از آن یک دوره زمانی روابط سرد بین دو طرف به وجود آمد. به ویژه زمانی که انگلیسی‌ها در کنار ترکها بر ضد نیروهای نادر در بصره جنگیدند. در این دوره نمایندگان شرکت انگلیسی در ایران مورد مواخذه و بد رفتاری قرار گرفتند. به گونه‌ی که شرکت تصمیم گرفت ایران را ترک کند (Lorimer, 1915/v1:88). این بد رفتاری چندان طول نکشید. نادر رقمی در سال ۱۱۴۸هـ/ ۱۷۳۵م برای میرزا محمد تقی خان فرستاد و اعلام نمود که انگلیسی‌ها سالانه از پرداخت ۱۰۰۰ تومان عوارض گمرکی معاف می باشند و چنانچه میرزا محمد تقی خان خود تشخیص دهد این مبلغ می تواند افزایش یابد. نادر پیشنهاد داد تا طرح پرداخت ۱۰۰۰ تومان از عوارض بندر عباس به انگلیسی‌ها بار دیگر احیا گردد. طبق این طرح انگلیسی‌ها می توانستند این ۱۰۰۰ تومان را به طور مستقیم از کالاهای تجار که به وسیله‌ی کشتی‌های بریتانیایی وارد بندر عباس می شد اخذ کنند (Saldanha, 1986/v1:45). با این حال شرکت هنوز از نرخ بالای عوارض شاکی بود و تلاش می نمود تا آن را به حداقل برساند.

در نامه‌ی به تاریخ ۴ جمادی الثانی ۱۱۴۸هـ/ ۱۲۲ اکتبر ۱۷۳۵م از بندر عباس به بمبئی آمده است چنانچه همین روند ادامه یابد به ناچار تجار هر بندری باید مابه‌التفاوت آن را خود پرداخت نمایند (ibid:44). این وقایع در حالی رخ داد که در ابتدای همان سال روابط نادر با شرکت هند شرقی بریتانیا در بدترین وضعیت خود قرار داشت. به گونه‌ی که انگلیسی‌ها دو کشتی نظامی برای حفظ منافع خود به بندر عباس فرستادند. به نظر می رسد که این تغییر رویه نادر را می بایست در چارچوب طرح‌های بلند پروازانه او در خلیج فارس جستجو نمود. نادر برای گسترش فعالیت‌های ناوگان خود نیاز به خرید کشتی داشت و یکی از منابع تأمین کشتی‌ها،

شرکت‌های هند شرقی در بندر عباس بودند (Lorimer, 1915/v1:79). همچنین نقش افرادی مثل محمد تقی خان که روابط نزدیکی با این شرکت‌ها داشت و رشوه‌های کلانی که از آنها دریافت می‌کرد نباید نادیده گرفت. این امتیازها موجب سودهای سرشاری برای شرکت بریتانیایی گردید. در سال ۱۱۶۱هـ/ ۱۷۴۸م ارزش کالاهای ساخت انگلیس صادر شده به خلیج فارس توسط شرکت ۱۷۲۹۷ لیره بود. دو سال بعد این ارزش به میزان ۲۸۰۷۷ لیره افزایش یافت. در سال ۱۱۶۴هـ/ ۱۷۵۱م ارزش این صادرات به ۴۵۶۰۴۳ لیره رسید. این مبلغ بیش از یک چهارم کل صادرات شرکت هند شرقی به شرق و آسیا بود. بیشتر این کالاها در بندر عباس و مقدار کمی در بصره به فروش می‌رسید. علاوه بر افزایش صادرات کمپانی به خلیج فارس، تجارت بازرگانان انگلیسی که به طور فردی و شخصی به تجارت در منطقه خلیج فارس مشغول بودند افزایش قابل توجهی یافت. در حقیقت پیشرفت فعالیت این دسته یکی از عوامل مهم توسعه رابطه انگلیسی‌ها با منطقه در نیمه دوم قرن ۱۸م گردید (امین، ۱۳۷۰: ۵۳).

مرگ نادر و شروع جنگ‌های داخلی بر تجارت و واردات انگلیسی‌ها تأثیر منفی بر جای نهاد. در سال ۱۱۶۴-۱۱۶۳هـ/ ۱۷۵۱-۱۷۵۰م تنها تعداد انگشت شماری از بازرگانان جرئت کردند و به بندر عباس رفتند. ترس آنها تنها از گرسنه چشمی و آزمندی حکام و ناامنی راه‌ها نبود، بلکه گرانی هزینه حمل و نقل نیز وضع بازرگانی را آشفته ساخته بود. با این حال پلستید که در همان سال از بندر عباس دیدن کرده از رونق تجاری آن و سودبری انگلیسی‌ها و هلندیان یاد می‌کند (Plasted:7). پلستید متأسفانه در مورد اوضاع سیاسی و تجاری بندر عباس اطلاعات چندانی ارائه نمی‌دهد و حتی از ذکر حاکم آن جا خودداری می‌ورزد. دلیل او شاید آن باشد که در این سال هنوز سیمای سیاسی بندر عباس بسیار مبهم بود. پلستید همچنین هیچ توصیفی از بوشهر ارائه نمی‌کند و به نوعی آن را هم ردیف دیگر روستاهای موجود در کرانه خلیج فارس می‌داند که وظیفه آنها تنها ارائه نیازمندی‌های مسافران در دریا بود (۰). با این حال حضور دو ارمنی و یک یهودی که جزء گروه‌های تاجر فعال در منطقه بودند و همراهی او تا بصره نشانگر رونق تجاری در منطقه علی‌رغم ناامنی می‌تواند باشد (ibid: 15-19). سال بعد نیز چندان امیدوار کننده نبود و مقدار زیادی از کالاهای وارداتی در انبار به فروش نرفت. سود خالص شرکت در این سال ۱۶۴ تومان بود و سهم انگلیسی‌ها از عوارض صادرات ۴۸۴۰

شاهی (Saldanha, 1986/v1:77-79). با این حال کشتی‌های بریتانیایی از هند کالا به بندر عباس وارد می‌کردند. در ۲۳ شعبان ۱۱۶۴هـ/ ۱۷ جولای ۱۷۵۱م یک کشتی از هند به بندر عباس رسید که محموله آن شامل ۱۸۸ عدل لباس، ۶۲ عدل قالی (؟؟) ۷ قطعه پارچه‌های زری، ۶ قطعه ساتن، ۱۲ تن آهن و ۳ تن سرب بود. دو سال بعد اوضاع نسبتاً بهبود یافت. در سال ۱۱۶۶هـ/ ۱۷۵۳م انگلیسی‌ها موفق شدند در کمتر از یک ماه تمامی پارچه‌های موجود در انبار خود را به فروش برسانند و در خواست ۵۰۰ قطعه دیگر نمودند. اما بعدها مشخص گشت نیاز بازار به بیش از ۳۰۰۰ قطعه می‌رسد و این مقدار کفاف نمی‌دهد (Lorimer, 1915/v1:132). در همین سال کشتی‌های انگلیسی از بنگال، مدرس، بمبئی و مسقط به بندر عباس آمدند و کالاهایی به ارزش ۴۶۱۴ تومان تخلیه نمودند. کالاهای که به بندر عباس می‌رسید به کرمان فرستاده می‌شد و از آنجا به خراسان می‌فرستادند. کالاهایی که از این مسیر به خراسان می‌رفت با مشکلات عدیده‌ی مواجه بود. پرداخت عوارض گمرکی در طی مسیر و ورود کالاهای روسی به خراسان مهم‌ترین آنها بودند که می‌توانست بر تجارت انگلیسی‌ها تأثیر منفی برجای نهد (Saldanha, 1986/v1:60).

شرکت هند شرقی هلند با به‌کارگیری آمیزه‌ی از الگوی نظامی پرتغالی و الگوی بازرگانی انگلستان مدل قدرتمندی به وجود آورد. جوهر کلی سیاست تجارت آسیایی هلندیان را می‌توان از نامه‌ی که ژان کان در سال ۱۰۲۸هـ/ ۱۶۱۹م به مدیران شرکت نوشته است دریافت، «می‌توانیم اجناسی از گجرات را با فلفل و طلا در ساحل سوماترا مبادله کنیم، ریال و پنبه سوماترا را فلفل بانام و ریال و صندل و فلفل را با اجناس و طلا معامله نماییم. با اجناس چینی از ژاپن نقره بگیریم. به مردم سواحل کورماندل ریال و سایر اجناس را بدهیم و ادویه بگیریم، ادویه و بعضی اقلام دیگر را به مردم عربستان بدهیم و ریال دریافت کنیم؛ و همین طور کار را ادامه بدهیم. همه این عملیات را به یاری کشتی‌ها و بدون آوردن پول نقد از هلند می‌توانیم انجام بدهیم» (فوران، ۱۳۷۷: ۶۸).

بازرگانی هلند در ایران بر اساس یک فرمول ساده بنیان گرفته بود: خرید ابریشم از شاه به نرخ گران‌تر از قیمت رایج در بازار و معافیت از پرداخت عوارض گمرکی. علاوه بر این آنها از مزایای دیگری نیز برخوردار بودند: آزادی بازرگانی، اجازه صدور سکه‌ها، نبود محدودیت در

حجم معاملات، معافیت کامل از پرداخت عوارض گمرکی، حق حمل و نقل کالا مصون از تفتیش و بازرسی کارگزاران شاهی (فلور، ۱۳۷۱:ب:۱۵-۱۶). آنها به طرق گوناگون کالاهای خود را در بازار ایران عرضه می‌کردند. یکی از شیوه‌ها فروش کالاهای وارداتی به چند بازرگان عمده که آنان نیز به نوبه خود آنها را به شمار بیشتری از بازرگانان خرده پا می‌فروختند. این شیوه هر از چند گاهی از سوی دربار بر هلندیان تحمیل می‌شد. اما شیوه رایج‌تر آن بود که هلندیان خود به طور مستقیم با بازرگانان ایرانی معامله می‌نمودند. برخی اوقات هلندیان کالاهایی را که به مقدار کم به ایران وارد می‌کردند به صورت خرده فروشی به مغازه داران بندر عباس می‌فروختند (همان: ۳۷). هلندیان مدعی‌اند که دوره‌ی افاغنه و نادر بر بازرگانی آنان ضربات سختی وارد ساخت. به گونه‌ی که سود آنها را بسیار کاهش داد. علاوه بر این، درخواست‌های گرفتن کشتی و پول، بی‌ثباتی وضع ایران، ناامنی پیوسته در خلیج فارس، کاهش قدرت خرید مردم در اثر ادامه جنگ، افول تولید و کاهش صادرات ایران از جمله معضلاتی بود که تجارت هلندیان در ایران با آن روبرو بود (همان: ۱۷۸). فلور مدعی است که علت اصلی بقای هلندیان آن بود که آنها شاید بتوانند وام‌هایی را که به شاه سلطان حسین داده بودند پس بگیرند. مهم‌ترین کالاهایی که هلندیان وارد می‌کردند عبارت بود از شکر، فلفل، انواع ادویه، دارچین، چیت گل‌دار، چوب و انواع پارچه (Floor, 2005: 51).

راهکارهایی چون جداسازی مراکز بصره و بوشهر از بندر عباس و یا کاهش تعداد کارمندان نیز نتوانست کمک‌چندانی به تجارت رو به افول هلندیان در بندر عباس بنماید. سرانجام پس از ۱۳۶ سال حضور مستمر هلندیان در این بندر، آنها در سال ۱۱۷۲ هـ/ ۱۷۵۹ م آن جا را برای همیشه ترک کردند (فلور، ۱۳۷۱:ب: ۱۷۶). هلندیان مدعی افت ۸۰٪ ورود کالا توسط آنها در دوره‌ی افشار نسبت به پیش از سال ۱۱۳۴ هـ/ ۱۷۲۲ م هستند (Floor, 2005: 59). نگاهی به آمار سود شرکت از سال ۱۱۱۱ هـ/ ۱۷۰۰ م تا ۱۱۷۲ هـ/ ۱۷۵۹ م نشان می‌دهد که اگر چه سود شرکت کاهش یافته بود، اما آن گونه نبود که شرکت را وادار به تخلیه بندر عباس نماید. در واقع افول هلندیان در بندر عباس و خلیج فارس جزئی از افول آنها در تجارت جهانی بود که با خروج از بندر عباس خود را نشان داد. فلور می‌نویسد که تجارت در بندر عباس ناامید کننده بود. او بلافاصله نقل قولی از کوناد، نماینده شرکت هند شرقی هلند در بندر عباس، می‌آورد که هلندیان

می توانستند سودهای بیشتری ببرند اگر مقدار بیشتری شکر و ادویه وارد کرده بودند که مشتریانی زیادی داشت (ibid:54). پس می توان گفت در مواردی اوضاع تجاری مناسب بود اما چون هلندیان توانایی ورود کالا به اندازه کافی را نداشتند اوضاع تجاری بندر عباس را تیره و تار ترسیم می کردند. از آن جهت که خود از آن سودی نمی بردند. جدول زیر نشان می دهد که اگر چه تجارت هلندیان دچار افت شده اما این افت آن گونه نبود که آنها مدعی بودند. از سوی دیگر در موارد زیادی ناتوانی و بی کفایتی خود هلندیان باعث این افول تجاری بود. به طور مثال بین هلندیان و انگلیسی ها در خصوص واردات پارچه رقابت شدیدی وجود داشت. در حالی که انگلیسی ها از فروش فوق العاده شان خبر می دادند هلندیان با کاهش شدید فروش روبرو شدند. دلیل اصلی آن دیر رسیدن پارچه، به روز نبودن طرح ها و استفاده از طرح های قدیمی و از مد افتاده، نبود خط کشتی رانی مستقیم بین مراکز تولیدی و توزیعی بود. در این مورد پارچه هایی که در کورومانندل تولید می شد ابتدا به باتاویا می رفت و پس از آن که در آنجا به تایید دفتر مرکزی می رسید به ایران صادر می شد. در حالی که انگلیسی ها به طور مستقیم از کورومانندل پارچه ها را به ایران می آوردند (فلور، ۱۳۷۱ ج: ۱۶۰).

جدول میانگین عواید خالص سالانه هلندیان در بندر عباس (۱۱۷۲-۱۱۱۱ هـ/ ۱۷۵۹-۱۷۰۰ م)

سال	مبلغ به فلورین هلند
۱۷۰۰-۱۷۰۹	۴۰۳۸۵۹
۱۷۱۰-۱۷۱۹	۳۶۳۷۲۸
۱۷۲۰-۱۷۲۹	۱۸۵۸۵۶
۱۷۳۰-۱۷۳۹	۷۲۵۸۷
۱۷۴۰-۱۷۴۹	۷۳۹۱۲
۱۷۵۰-۱۷۵۴	۱۳۷۱۳۱

(فلور، ۱۳۷۱ ب: ۱۸۰)

بررسی آمارها نشان می دهد که اگر چه واردات هلندیان نسبت به دوره صفویه کاهش محسوسی دارد اما آن چه عامل این کاهش می باشد نه فروش بلکه نبود وسیله جابجایی کالا

است. بررسی ورود و خروج کشتی‌ها به جزیره خارک نیز موید همین مسئله است، جایی که هلندیان پس از خروج از بندر عباس آن را به عنوان مرکز تجاری خویش در خلیج فارس برگزیدند. با نگاهی به آمار آنها می‌توان دریافت که بیشترین کالاهای به وسیله کشتی‌های انگلیسی حمل می‌شد و هلندیان در آن چندان نقشی نداشتند که نشانگر افول قدرت دریایی آنها است. در حالی که یکی از عوامل اصلی تسلط هلندیان بر تجارت جهانی کشتی‌های تجاری و نظامی بود که آنها در اختیار داشتند. این ناوگان عظیم تجاری آنها را قادر ساخت تا دریاها را عرصه تاخت و تاز خود سازند. ظرفیت کشتی‌های آنها ۳ برابر انگلیس و برابر با مجموع کشتی‌های انگلیس، فرانسه، پرتغال، اسپانیا و آلمان بود.

نتیجه‌گیری:

با بررسی داده‌های موجود می‌توان گفت که فارس در این دوره همان کارکرد تاریخی‌اش را ادامه داد. علی‌رغم این حقیقت که به دلیل جنگ‌ها، خشکسالی و غارتگری‌های مداوم و کاهش امنیت اقتصادی و اجتماعی، هیچگاه سطح داد و ستدهای کالایی - اعم از مواد خام و کارگاهی - به دوران صفویه نرسید. بیشترین صادرات مواد خام برای تولید کالاهای تجاری و صنعتی در اروپا بود. مهم‌ترین آنها در خود فارس تولید یا استخراج نمی‌شد؛ بلکه از دیگر ایالات وارد و از طریق بنادر فارس بوسیله کشتی‌های انگلیسی و هلندی ترانزیت می‌گردید. در این دوره دیگر ابریشم مهم‌ترین کالای صادراتی نبود، بلکه کُرک بز کرمان جای آن را گرفت. این تغییر را باید در نگاه کلی‌تر افول اقتصادی ایران و دگرگونی الگوی مناسبات تجارت جهانی دید.

در زمینه واردات نیز تحولاتی را می‌توان مشاهده نمود که خبر از تغییرات در آینده نزدیک می‌داد. بدین ترتیب که عمده کالاهای وارداتی در دوران صفویه مواد خام و ادویه بود که بیشتر تولید کشورهای آسیای جنوب شرقی و هند بود. گرچه هنوز ادویه در حجم وسیعی وارد می‌شد، اما کم‌کم نشانه‌های رشد تولیدات صنعتی اروپا در بین کالاهای وارداتی به چشم می‌خورد که مهم‌ترین آنها پارچه بود. این پارچه بیشتر در انگلستان تولید و سپس به هند صادر و از آنجا به مقصد ایران بارگیری می‌شد. ورود حجم زیادی از این کالا معلول دو علت عمده

تولید ارزان و متنوع آن در انگلستان و ناتوانی تولیدکنندگان داخلی در ساخت متناسب و ارزان با سلیقه‌های جدید برای مردم بود.

منابع:

- افضل الملک، غلامحسین (۱۳۶۱). افضل التواریخ، به کوشش منصوره اتحادیه، نشر تاریخ ایران، تهران.
- امین، عبدالامیر (۱۳۷۰). منافع بریتانیا در خلیج فارس، ترجمه علی رجبی یزدی، امیر کبیر، تهران..
- اولیویه، گیوم آنتوان (۱۳۷۱). سفرنامه اولیویه، تاریخ اجتماعی-اقتصادی ایران در دروان آغازین عصر قاجار، ترجمه محمد طاهر میرزا، تصحیح غلامرضا ورهرام، اطلاعات، تهران.
- آرونووا، م.ر./ اشرفیان، ک.ز. (۱۳۵۶). دولت نادرشاه افشار، ترجمه حمید امین، شبگیر، تهران.
- باستانی پاریزی (۱۳۴۸). محمد ابراهیم، سیاست و اقتصاد در عصر صفوی، صفیعلیشاه، تهران.
- بنی عباسیان بستکی، محمد اعظم (۱۳۳۹). تاریخ جهانگیریه و بنی عباسیان بستک، بی نا، تهران.
- تاورنیه، ژان باتیست (بی تا) سفرنامه تاورنیه، ترجمه ابوالقاسم ابوتراب نوری، با تجدید نظر و تصحیح احمد شیرانی، انتشارات کتابفروشی سنایی و کتابفروشی تایید اصفهانی، بی جا.
- ثواقب، جهان بخش (۱۳۸۱). « ابریشم گیلان»، شناخت فلسفه و کلام، شماره ۳۴.
- جمالزاده، محمدعلی (۱۳۶۲). گنج شایگان، کاوه، تهران.
- دومورینی، گوستاو (۱۳۷۵). عشایر فارس، ترجمه جلال الدین رفیع فر، دانشگاه تهران، تهران.
- دیانت، ابوالحسن (۱۳۶۷). فرهنگ تاریخی ارزشها و سنجشها، نیما، تبریز.
- سدیدالسلطنه، محمدعلی بن احمد (۱۳۰۸). صید مروارید المناس فی احوال الغوص و الغواص، بی نا، تهران.
- شاردن، ژان (۱۳۷۲). سفرنامه شاردن، ترجمه اقبال یغمایی، ۵ جلد، توس، تهران، چاپ اول.
- شعبانی، رضا (۱۳۷۲). تاریخ اجتماعی ایران در عصر افشاریه، ۲ جلد، نشر قومس، تهران، چاپ دوم.
- فرانکلین، ویلیام (۱۳۵۸). مشاهدات سفر از بنگال به ایران در سال های ۱۷۸۶-۱۷۸۷، ترجمه محسن جاویدان، بنیاد فرهنگ و هنر ایران، تهران.
- فسایی، حاجی میرزا حسن حسینی (۱۳۸۲). فارسنامه ناصری، تصحیح، منصور رستگار فسایی، ۲ جلد، امیر کبیر، تهران، چاپ سوم.
- فلور، ویلم (۱۳۷۱ الف). صنعتی شدن ایران و شورش شیخ احمد مدنی، ترجمه ابوالقاسم سری، توس، تهران.

- فلور، ویلم (۱۳۷۱ب). اختلاف تجاری ایران و هلند و بازرگانی هلند در عصر افشاریان و زندیان، ترجمه ابوالقاسم سری، توس، تهران.
- فلور، ویلم (۱۳۷۱ج). هلندیان در جزیره خارک در عصر کریم خان زند، ترجمه ابوالقاسم سری، توس، تهران.
- فوران، جان (۱۳۷۷). مقاومت شکننده، تاریخ تحولات اجتماعی ایران از سال ۱۵۰۰ میلادی مطابق با ۸۷۹ شمسی تا انقلاب، ترجمه احمد تدین، رشا، تهران.
- کرامتی، محمد هادی (۱۳۷۰). تاریخ دلگشای اوز، نوید شیراز، شیراز.
- کریمیان، علی (۱۳۷۶). بازخوانی چند فرمان از نادر شاه، گنجینه اسناد، شماره ۲۵ و ۲۶.
- کارری، جملی (۱۳۴۸). سفرنامه کارری، ترجمه، عباس نخجوانی و عبدالعلی کارنگ، اداره کل فرهنگ و هنر آذربایجان شرقی، تبریز، چاپ اول.
- کرزن، جورج ناتانیل (۱۳۸۰). ایران و قضیه ایران، ترجمه، غلام علی وحید مازندرانی، ۲ جلد، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، چاپ پنجم.
- گرومون، استفان رای (۱۳۷۸). چالش برای قدرت و ثروت در جنوب ایران از سال ۱۷۵۰ تا ۱۸۵۰ میلادی، ترجمه حسن زنگنه، همسایه، تهران.
- لاری شیرازی، روح الله (۱۳۸۹). شرفنامه (مکاتبات دیوانی ایالت فارس و لارستان در دوره صفویه)، تصحیح محمد باقر وثوقی، کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، تهران.
- لاکهارت، لارنس (۱۳۸۳). انقراض سلسله صفویه، ترجمه، اسماعیل دولتشاهی، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، چاپ سوم.
- محمد جعفر بن محمد حسین نائینی (۱۳۵۲). جامع جعفری، تصحیح ایرج افشار، انجمن آثار ملی، تهران.
- محمد میرک بن مسعود حسینی منشی (۱۳۸۵). ریاض الفردوس خانی، مصحح، ایرج افشار و فرشته صرافان، بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار، تهران، چاپ اول.
- میر جلیلی، حسین (۱۳۸۹). تجارت در جهان اسلام، دانشنامه جهان اسلام، تهران.
- پیگولوسکایان. و. و دیگران (۱۳۵۳). تاریخ ایران (از دوران باستان تا پایان سده هجدهم میلادی)، ترجمه کریم کشاورز، پیام، تهران.
- نصیری، محمدرضا (۱۳۶۴). اسناد و مکاتبات تاریخی ایران دوره افشاریه، جهاد دانشگاهی، گیلان، چاپ اول.

- نوائی، عبد الحسین (۱۳۶۸). نادرشاه و بازماندگان، زرین، تهران، چاپ اول.
- نیبور، کارستن (۱۳۵۴). سفرنامه کارستن نیبور، ترجمه، پرویز رجبی، توکا، تهران، چاپ اول.
- وثیق، منصوره (۱۳۸۷). دنانیر، سیر دینار در تاریخ پولی ایران، انتشارات ستوده، تهران، چاپ اول.
- وزیری کرمانی (۱۳۶۴). احمد علی، تاریخ کرمان، تصحیح، محمد ابراهیم باستانی پاریزی، علمی، تهران.
- Alam ,Muzaffar (1986). The Crises of Empire in Mughol North India, New Delhi, Oxford University prss.
- Floor, Willem(2005). "Dutch Trade in Afsharid Persia", *Studia Iranica*, 34/1.
- Floor, Willem(2009). *Nader Shah*, Mega Publisher, Washington DC.
- Hambly, Gavin(1964). "An Introduction to the Economic Organization of Early Qājār Iran", *Iran*, Vol. 2.
- Ives, Edward, A Voyage from England to india, Edward and Charles Dilly, London.
- J.A.Saldanha(1986). *The Persian Gulf Precis*, Buckinghamshire, Archive Edittions, 8vol.
- Levi, Scott(1999A). "The Indian Merchant Diaspora in Early Modern Central Asia and Iran", *Iranian Studies*, Vol. 32, No. 4 .
- Levi, Scott(1999b). "India, Russia and the Eighteenth-Century Transformation of the Central Asian Caravan Trade", *Journal of the Economic and Social History of the Orient*, Vol. 42, No. 4.
- Lorimer,J.G(1915). *Gazetteer of The Persian Gulf,Oman and Central Arabia*, Superintendent Government Printing, Calcutta,Vol.1
- Plaisted. *A Journal from Calcutta to England*, MDCCLVIII, London
- Ricks, Thomas(1974). *Politics and Trade in Southern Iran and The Gulf 1745-1765*, Submitted to the Faculty of the Gradute School in Partial Fulfillment of the Requirements for the Degree of Doctor of Philosophy in the Department of History, Indiana University.
- Waring , Edward Scott(1807). *A Tour to Sheeraz by thr route of Kazeroon and Feerozabad*, co.Cleveland Row, London.

